

● به کوشش سیدعلی شمس

البته این گرایش به عدم شتاب، به معنی کمتر کار کردن یا بهره‌وری کمتر نیست، بلکه به معنی انجام کارها با کیفیت، بهره‌وری و کمال بیشتر، با توجه بیشتر به جزئیات و با استرس کمتر است. به معنی برقراری مجدد ارزش‌های خانوادگی و به دست آوردن زمان آزاد و فراغت بیش‌تر است.

این حرکت، به معنی چسبیدن به حال در مقابل آینده نامعلوم و تعریف نشده است. به معنی بها دادن به یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های انسانی یعنی ساده زندگی کردن است. هدف جنبش آهستگی، محیط‌های کاری کم‌تنش‌تر، شادتر و مولدتری است که در آن، انسان‌ها از انجام دادن کاری که چگونگی انجام دادنش را به خوبی بلدند، لذت می‌برند. اکنون زمان آن فرا رسیده است که توقف کنیم و درباره این که

جهانی شدن را زیر سؤال می‌برد، نهضتی که کمیت را جایگزین کیفیت در همه شئون زندگی ما کرده است.



به قیمت هدر دادن زندگی سرعت

چگونه شرکت‌ها به تولید محصولاتی با کیفیت بهتر، در یک محیط آرام‌تر و بی‌شتاب و با بهره‌وری بیشتر نیاز دارند، فکر کنیم.

۵. بسیاری از ما زندگی خود را به دویدن در پشت سر زمان می‌گذرانیم اما تنها هنگامی به آن می‌رسیم که بر اثر سکنه قلبی یا در یک تصادف رانندگی به خاطر عجله برای سر وقت رسیدن به سر قرائی، بمیریم. بسیاری از ما آنقدر نگران و مضطرب زندگی خود در آینده هستیم که زندگی خود در حال حاضر، یعنی تنها زمانی که واقعا وجود دارد را فراموش می‌کنیم. همه ما در سراسر جهان، زمان برابری در اختیار داریم. هیچ‌کس بیشتر یا کمتر ندارد. تفاوت در این است که هر یک از ما با زمانی که در اختیار داریم چه کار می‌کنیم. ما نیاز داریم که هر لحظه را زندگی کنیم. کسی می‌گفت: زندگی آن چیزی است که برای تو اتفاق می‌افتد، در حالی که تو سرگرم برنامه‌ریزی‌های دیگر هستی.

عمر به شما به خاطر این که تا پایان این مطلب را خواندید تبریک می‌گوییم. بسیاری هستند که برای هدر ندادن زمان، از وسط مطلب آن را رها می‌کنند تا از قافله جهانی شدن عقب نمانند!

خواندن کل این متن بیشتر از ۳ دقیقه زمان شما را نخواهد گرفت. پس لطفا بخوانید... هر چند که از اواسط آن متوجه شوید قبلا هم آن را خوانده‌اید... یک بار دیگر بخوانید.

۱. ۱۸ سال پیش من در شرکت سوئدی ولوو استخدام شدم. کار کردن در این شرکت تجربه جالبی برای من بوده است. این‌جا هر پروژه‌ای حداقل دو سال طول می‌کشد تا نهایی شود، حتی اگر ایده ساده و واضحی باشد. این قانون این‌جاست. جهانی شدن باعث شده است که همه در جست‌وجوی نتایج فوری و آنی باشند، ولی این مشخصا پا حرکت کند سوئدی‌ها در تناقض است. آن‌ها معمولا تعداد زیادی جلسه برگزار می‌کنند، بحث می‌کنند، بحث می‌کنند، بحث می‌کنند و خیلی به آرامی کاری را پیش می‌برند. ولی در انتها، این شیوه همیشه به نتایج بهتری می‌انجامد.

۲. اولین روزهایی که در سوئد بودم، یکی از همکارانم هر روز صبح با ماشینش مرا از هتل برمی‌داشت و به محل کار می‌برد. ماه سپتامبر بود و هوا کمی سرد و برفی. ما صبح‌ها زود به کارخانه می‌رسیدیم و همکارم ماشینش را در نقطه دوری نسبت به ورودی ساختمان پارک می‌کرد. در آن زمان، ۲۰۰۰ کارمند ولوو با ماشین شخصی به سر کار می‌آمدند.

روز اول، من چیزی نگفتم، همین‌طور روز دوم و سوم. روز چهارم به همکارم گفتم: آیا جای پارک ثابتی داری؟ چرا ماشینت را این قدر دور از در ورودی پارک می‌کنی در حالی که جلوتر هم جای پارک هست؟

او در جواب گفت: برای این که ما زود می‌رسیم و وقت برای پیاده رفتن داریم. این‌جاها را باید برای کسانی بگذاریم که دیرتر می‌رسند و احتیاج به جای پارکی نزدیک‌تر به در ورودی دارند تا به موقع به سر کارشان برسند. تو این طور فکر نمی‌کنی؟ میزان شرمندگی مرا خودتان حدس بزنید.

۳. این روزها، جنبشی در اروپا راه افتاده به نام غذای آهسته (Slow Food) این جنبش

می‌گوید که مردم باید به آهستگی بخورند و بیاشامند، وقت کافی برای چشیدن غذایشان داشته باشند، و بدون هرگونه عجله و شتابی با افراد خانواده و دوستانشان وقت بگذرانند. غذای آهسته در نقطه مقابل غذای سریع (Fast Food) و الزاماتی که این سبک زندگی به همراه دارد قرار می‌گیرد. غذای آهسته پایه جنبش بزرگ‌تری است که توسط مجله بیزنس طرح شده و «یک اروپای آهسته» نامیده شده است. این جنبش اساسا حس شتاب و دیوانگی به وجود آمده بر اثر نهضت

۴. مردم فرانسه با

وجودی که ۳۵ ساعت در هفته کار می‌کنند اما از آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها مولدترند. آلمانی‌ها ساعت کار هفتگی را به ۲۸/۸ ساعت تقلیل داده‌اند و مشاهده کرده‌اند که بهره‌وری و قدرت تولیدشان ۲۰ درصد افزایش یافته است. این گرایش به آهستگی و کند کردن جریان شتاب‌آلود زندگی، حتی نظر آمریکایی‌ها را هم جلب کرده است.